

زهوشنگ گفتن نه کاریست خُرد

سخنان علی شاهنده



در مراسم یادبود هوشنگ کشاورز صدر راستکھلم

او یکی از صدیق ترین مبارزان ایرانی و در دوره دانشجویی یکی از فعالان جنبش دانشجویی (عضو کمیته دانشجویان جبهه ملی) بوده و با چهره های مشخص و معروف از جنبش چپ ایران دوستی داشته و در زمان حکومت شاه بارها دستگیر و زندانی شده بود.

هوشنگ کشاورز صدر را بسبب اختلاف سن و تفاوت های عرصه ها و جایگاهها و صفوف شغلی و تحصیلی و اجتماعی و سیاسی از ایران نمی شناختم و از فعالیت های علمی و بویژه سیاسی او آگاهی نداشتم. در میان امواج توفانی آوارگی بود که قلب هایمان با یکدیگر سخن گفتند و دست هایمان به هم گره خوردند و هر روز استوارتر شدند. چنانکه هر بار سفری به پاریس میکردم دیدار او از انگیزه های مهم من بود و در خانه او به رویم باز. و چنین بود که من با گوشه ها و نکته های بسیاری از پیشینه های تلخ و شیرین زندگی او، و کاراکتر و خصوصیات اخلاقی او بویژه تابوهای ذهنی او آشنا شدم که بیانش ذهن روشن و فرصت بسیار میخواهد و در این فرصت کوتاه و محدودیت توانائی ذهنی و سنی من میسر نیست و ناگزیر تنها به اشاره ای به آنها بسنده میکنم

۱- از جنبه اجتماعی و علمی از مردم شناسان و پژوهشگران برجسته در امور و مسائل عشایری و روستائی ایران بوده که خود: اولاً نشان از توجه و وابستگی ذهنی و عاطفی او به اعماق جامعه و آحاد ملت ایران داشت.

ثانیاً معرف آگاهی بیشتر او از آنچه در اعماق جامعه بر مردم ایران میگذشت و صلاحیت او در تشخیص مشکلات و جستجوی راههای تأمین آسایش و رفاه و امنیت آنها و پیشگیری از دخالت بیگانگان بود و چه بسا در قرار گرفتن در جایگاه سیاسی و فعالیت های سیاسی او (که سپس توضیح میدهم) تأثیر و نقش جدی داشت.

۲- شخصاً انسانی نجیب، شریف و محبوب و خونگرم و صمیمی و مهربان و بی هیچ تظاهر با تمام وجود دموکرات بود. یکسویه نبود، کینه نمیورزید، همه حسن نیت بود اما از اصول مورد اعتقاد خود عدول نمیکرد. اصول را فدای مصلحت نمیکرد. با مخالف خود دشمن نبود و در برخورد با او در پی یافتن راه توافق بود و در جلسات شاخه های گوناگون جبهه ملی حضور مییافت و از نظریات خود دفاع میکرد، با

سازمانها و شاخه های گوناگون چپ دوستی ومهربانی و بحث و گفتگو داشت. همواره میجوشید و میخروشید اما در برخورد با دوز کلک بر می آشت و ناگهان چون شیر میغرید.

در تحمل مشکلات صبور بود. با دل خونین لب خندان داشت حتا در شرایط سخت دو بیماری بزرگ قلب و پروستات شمع انجم بود. چنان زنده دل و چنان صبور که چهره گشاده و خندان او را که میدیدی باور نمیکردی که درآتش بیماری میسوزد و از درد سخت و مداوم بر روی آتش نشسته است. جان و تن او در این کوره میگداخت وکه سرانجام تاب ازاوربود.

پیشینه های سیاسی

او یکی از صدیق ترین مبارزان ایرانی و در دوره دانشجویی یکی از فعالان جنبش دانشجویی (عضو کمیته دانشجویان جبهه ملی) بوده و با چهره های مشخص و معروف از جنبش چپ ایران دوستی داشته و در زمان حکومت شاه بارها دستگیر و زندانی شده بود. در دوران نهضت ملی به صفوف آن پیوسته و همراه با پیروان مصدق در جبهه ملی درراه تحقق آرمانهای ملی مبارزه کرده بود. درزمان دانشجویی از شاگردان صدیق و ارادتمندان دکتر صدیقی بوده و بهمین سبب با نام موسسه ای که در چهارچوب تحقیقات اجتماعی تحت ریاست دکتر صدیقی تأسیس شده بود چندین سال در بسیاری از نقاط کشور به تحقیق اشتغال ورزید.

تابوهای مهم او

نخستین - حفظ حرمت پناهندگی سیاسی: او حاضر به صرفنظرکردن از این عنوان نبود ومعتقد بود که پناهندگی سیاسی هویتی خاص است و وظایفی به آن تعلق میگیرد. واعتبار تداوم مبارزه را برای باز گشت به وطن همچنان حفظ میکند.

دومین - استقلال ایران: به استقلال ویکپارچگی سرزمین ایران وحاکمیت ملت ایران به سرزمین خودپای بند بود وهراقدام و عملی را که به آن خدشه وارد میکرد اگرچه به عنوان و بهانه «مصلحت» بشدت سرزنش میکرد وروی از آن برمیتافت .

سومین - آزادی - در یادداشت او در کتاب « تجربه مصدق درچشم اندازآینده ایران » میخوانیم « سخن برسرآزادی واستقلال وآمیختگی این دوباهم است .استقلالی که سربه دامن آزادی داردومعنی آن نه منزوی کردن کشورومردم بل قراردادن آن درجایگاه شایسته جهانی آنست . واین امر درحالی میسر است که مردم آزاد باشند وآزادی ضرورتی گردد همچون نیازهای مبرم روزمره آنها»

در برابر توطئه های ضد استقلال و آزادی ایستادگی سخت و بی پروا داشت وابستگی به بیگانگان را تحمل نمیکرد و تاب نمی آورد.

چهارمین - جنبش و انقلاب مشروطیت را پاس میداشت و میکوشید که شعارها و دستآوردهای آن را اگرچه عملاً بوسیله نیروهای متجاوز تعطیل شده باشد، از ذهنیت جامعه بیرون نرود و برای خنثا و بی اثر کردن توطئه های مستمر و دروغ پردازیهای دشمنان درونمرز و برونمرز حاکمیت ملت ایران تلاش میکرد. دکتر مصدق و رهبری او را در نهضت ملی همواره بحق میستود و کودتاهای ۱۲۹۹ و مرداد ۱۳۳۲ محصول توطئه بیگانگان و همدستی دشمنان درونی علیه استقلال و حاکمیت ملت ایران را بحق محکوم میکرد و بویژه تلاشهایی را که عوامل و مهره ها و بهره گیران از آنها برای زدودن لکه ننگ خیانت از پیشانی خود بکار میبردند، با قلم و قدم و به مناسبتها و اشکال گوناگون محکوم میکرد از جمله آنها تشکیل و برگزاری « کنفرانس تجربه مصدق در چشم انداز آینده ایران » با آقای حمید اکبری ویاری زنده یاد محمودعنایت دردانشگاه شیکاگو به انگیزه بیان عصاره نظریات مصدق بود که من نیزافتخار شرکت درآن وصحب دربارہ « ریشه های اجتماعی وآرمانی لوایح قانونی دولت مصدق » داشتم واز ثمرات آن کنفرانس صدوربیانیه ازسوی فرماندار ایالت ایلینوئیز به مناسبت پنجاهمین سال حکومت مصدق وتجلیل ازاو وبرشمردن مشترکات او با مهماتماگاندی ونامگذاری روز دوم ماه مه ۲۰۰۱ میلادی به نام « روزمصدق » ومجموعه ای از سخن رانیها ومقالاتی با نام « تجربه مصدق در چشم انداز آینده ایران » است که با یادداشتی از هوشنگ کشاورز صدر و پیام زنده یاد بدری « شیبانی » شایگان منتشر شده است و همچنین از اقدامات بجا تشکیل جلساتی برای براه انداختن وفعال کردن جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک بود که من نیزازهمراهان آن بودم وگرچه به دلایل گوناگون نتوانست ثمری آنچنانکه انتظارمیرفت بار آورداما دوران کنونی به گمان من دلایل کافی برای لزوم پیگیری تلاش برای اسقرار جمهوری دموکراتیک و لائیک به دست میدهد وچنین باد .

گفتنی بسیار است و فرصت کوتاه. با عرض تسلیت به همسر محترم وارجمند و فرزندان گرامی آن عزیز ازدست رفته سخنان خود را پایان میدهم.